



انترناسیونال

۱۳۰

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۱۹ اسفند ۱۳۸۴، ۱۰ مارس ۲۰۰۶

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی



علیه هر دو قطب تروریسم جهانی

برای سرنگونی جمهوری اسلامی

گفتگو با حمید تقوایی، لیدر حزب کمونیست کارگری
در رابطه با تهدیدات نظامی و حمله احتمالی آمریکا به ایران

ایران خواهان حمله نظامی و حتی تحریم کامل اقتصادی جمهوری اسلامی نیستند. در کل به نظر میرسد برای هیات حاکمه آمریکا به خط کردن دول اروپائی و حتی اعضای شورای امنیت پشت

در نهایت به حمله نظامی به ایران ختم خواهد شد و یا خیر هنوز سؤال بازی است. اروپای واحد هنوز به حل دیپلماتیک مساله تمایل دارد. چین و روسیه و ژاپن نیز بخاطر روابط اقتصادی با

آمریکا و متحدینش با این تنش و احتمال حمله نظامی چه اهدافی را دنبال میکنند؟
حمید تقوایی: در این تردیدی نیست که تنش حول پروژه اتمی جمهوری اسلامی رو به تشدید است اما اینکه آیا این کشمکش

محسن ابراهیمی: قبل از هر چیز شما امکان حمله به تاسیسات اتمی و یا حمله نظامی به ایران را تا چه احتمال میداند؟ آمریکا و متحدینش واقعا هدفشان جلوگیری از مسلح شدن جمهوری اسلامی به بمب اتمی است؟

صفحه ۳



گوشه ای از مراسم ۸ مارس در پارک دانشجو-تهران



کنفرانس جهانی علیه قتل‌های ناموسی و اسلام سیاسی - کلن، آلمان

کنفرانسی مهم با دستاوردهایی تاریخی

کنفرانس بین المللی علیه قتل‌های ناموسی و اسلام سیاسی در شهر کلن آلمان

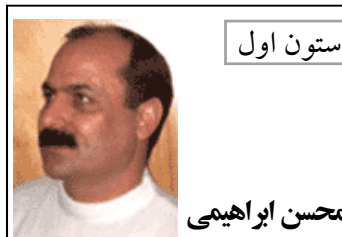
مارس، روز جهانی زن، شاهد یکی از بزرگترین کنفرانسها بر علیه قتل ناموسی و در نقد اسلام سیاسی بود. چهره های سرشناس بین المللی در این کنفرانس گرد هم آورده و هر یک با شور و حرارت در نقد زن ستیزی جریانات اسلامی، در نقد مماشات و

اعتراضی قوی هستیم که عزم جزم کرده ایم، تکلیف حکومت ضد زن اسلامی را روشن کنیم.
یکی از بزرگترین برنامه ها در نقد حکومت‌های ضد زن، در نقد اسلام سیاسی و حکومت اسلامی، کنفرانس بزرگ شهر کلن آلمان بود.
شهر کلن در آلمان روز هشت

هشت مارس امسال جنبش اعتراضی علیه قوانین ضد زن اسلامی، در تهران و اصفهان، در سنج و شیراز، در لس آنجلس و شیکاگو در تورنتو و استکهلم و در کلن آلمان، بهم پیوسته حرکت کرده و یک پیام به دنیا مخابره کرد. ما علیه حکومت آپارتاید جنسی هستیم و ما یک جنبش

هشت مارس روز جهانی زن در ایران گرامی داشته شد. زنان و مردان آزاده، با وجود تهدیدات رفتار سرکوبگرانه حکومت ضد زن، به خیابان رفته، یا در جلسات سخنرانیهها شرکت کرده اند. یکبار دیگر اعلام کردند که به حکومت ضد زن، به قوانین و سنت‌های ضد زن نه میگویند.

صفحه ۷



ستون اول

محسن ابراهیمی

ارتجاع ۷۵ میلیون دلاری!

"۲۰ میلیون دلار به من بدهید تا انقلابی را که میخواهید راه بیندازم."

لابد می پرسید این "انقلابی" ۲۰ میلیون دلاری کیست و این وعده خطاب به چه کسانی است؟ این ضدانقلاب کهنه کار، مایکل لدین یکی از استراتژیست‌های "انستیتیوی امریکن انترپرایز" است. همان کسی است که در جریان افتضاح "ایران کنتر"، با همکاری منوچهر قربانی فر، قاچاقچی بین المللی اسلحه و دولت ریگان مخفیانه به جمهوری اسلامی اسلحه میفروخت و درآمدش را خرج جوخه های ضدانقلابی کنتر میگرد تا دولت ساندینست‌ها در نیکاراگوئه را سرنگون کنند. ایشان از هواخواهان پروپا قرص رضا پهلوی است و این وعده ناقابل را چند سال پیش خطاب به منتظرالسلطنه ها در لوس آنجلس داده بود.

و امروز به جای ۲۰ میلیون دلار، کاندولیرزا رایس درخواست ۷۵ میلیون بودجه برای جایگزین کردن ضد انقلاب اسلامی با ضدانقلابی دیگر کرده است. سفره ۷۵ میلیون دلاری هنوز پهن نشده است که سفره خوران اپوزیسیون از سر و کول هم بالا میروند که این پول را به ما بدهید تا نگذاریم این بار هم انقلاب مردم ایران به فرجام برسد. مجله نیویورکر در شماره این هفته در یک گزارش مفصل تصویر تماشایی از این اپوزیسیون که دوره این سفره به پرواز در آمده اند داده است. آنها بر سر بهترین نحوه خرج این پول علیه انقلاب مردم ایران باهم مسابقه گذاشته اند.

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

ستون اول

"تبعیدیان"، عنوان گزارش مجله نیویورکر است. این گزارش نیمه ای از حقایق سیاسی ایران را منعکس کرده است. اما همین نیمه به اندازه کافی روشنگر و هشدار دهنده است. هشدار از اینکه همانهایی که در شکست انقلاب ۵۷ مردم دست داشتند اینبار هم برای خفه کردن انقلاب مردم فعال شده اند. همانهایی که خمینی را سوار انقلاب قبلی کردند، دنبال شخصیت‌هایی برای سوار کردن به انقلاب آتی هستند.

محافل حاکم در آمریکا بعد از مدتها اختلاف نظر میان وزارت خارجه و پنتاگون، به این نتیجه رسیده اند که امروز دیگر نمیتوان بر اختلافات جناحی در داخل حکومت اسلامی سرمایه گذاری کرد. باید روی تضاد مردم با رژیم اسلامی خم شد. متوجه شده اند که جنبش سرنگونی مردم آقدر پیش رفته است که اگر در محدوده اختلافات جناحی باقی بمانند ورق را می بازند. سئوالی که امروز روی میزشان است اینست که چگونه میتوان وارد شکاف مردم با جمهوری اسلامی شد و از درون این شکاف يك ضدانقلاب جدید بیرون کشید و به جای جمهوری اسلامی نشاند. درست است که هنوز يك جمهوری اسلامی اهلی شده را به يك انقلاب زیر و رو کننده ترجیح میدهند اما آن انقلاب زیر و رو کننده در راه است و باید تا دیر نشده است کاری کرد. سناریوهایی که امروز مورد بحث در هیئت حاکمه آمریکاست اگرچه متنوعند اما در يك چیز مشترکند: حالا که مردم ایران مصمم اند جمهوری اسلامی را به زیر بکشند، به هر قیمتی نباید گذاشت بر ویرانه های جمهوری اسلامی قدرت مردم شکل بگیرد. نباید گذاشت این انقلاب رنگ چپ به خود بگیرد. نباید گذاشت آزادی برابری بر پرچم تحولات ایران ثبت شود.

رسیدن به این هدف، طیفی از سناریوها را در دستور دولت آمریکا و به همراه آن بخشی از اپوزیسیون قرار داده است. این سناریوها نشان میدهد که اگر چه همه این جریانات در مقابل يك انقلاب آزادیخواهانه و برابری طلبانه صف کشیده اند اما در مورد نحوه مقابله با آن انقلاب هنوز سرگیجه گرفته اند. این سرگیجه سیاسی در سطر به سطر گزارش

نیویورکر قابل مشاهده است. پنتاگون مدت‌ها بود که در جستجوی نسخه ایرانی احمد چلبی و حمید کرزای بوده است. گری سیک، مشاور کاخ سفید در مقطع انقلاب ۵۷ به نام سه شخص مورد نظر پنتاگون اشاره میکند که گویا قرار بوده از کارخانه پنتاگون به عنوان "رهبر ملی" تولید شوند: رضا پهلوی (فرزند محمد رضا پهلوی)، محسن سازگارا (یکی از فرزندان صادق ضد انقلاب اسلامی، یکی از بنیانگذاران سپاه پاسداران اسلامی) و حسین خمینی (نوه خمینی). میبینید که برخلاف آن مثل عامیانه که میگوید سیاست پدر و مادر ندارد، اتفاقا سیاست خیلی هم با پدر و مادر است. همانهایی که با خمینی، انقلاب ۵۷ را به شکست کشاندند، با نوه خمینی میخواهند انقلاب بعدی را به شکست بکشاندند. همانهایی که در مقابل طوفان انقلاب مردم از شاه دست شستند و خمینی را علم کردند، میخواهند در مقابل طوفان انقلاب بعدی از فرزندان خمینی دست بکشند و پسر شاه را علم کنند.

وزنه اصلی گزارش نیویورکر، بازاریابی برای رضا پهلوی به عنوان شاهزاده ای است که غم آزادی مردم را دارد؛ به خاطر "ملت" موقتا از میراث سلطنت چشم پوشیده است؛ میخواهد دموکراسی برای "ملت" ایران بیاورد و اگر "ملت" تصمیم گرفت مشروطه سلطنتی برقرار کند، آنگاه شاهزاده شاه خواهد شد! چه فروتنی شاهانه ای! و البته این شاهزاده با از خودگذشتگی تمام همه ملزومات "رهبر ملی" شدن را رعایت میکند: با "چپ ها" (کدام چپها؟) در برلین ضیافت شام برگزار میکند؛ در حلقه مشاورانش، هم پرویز ثابتی شکنجه گر ساواک را میبینید، هم احمد اویسی برادر قصاب مشهور آریامهری، هم باقر پرهام را؛ اعلام میکند که امروز سلطنت طلبها و جمهوریخواهان و مارکسیست‌ها (کدام "مارکسیست‌ها"؟) در یک قایق هستند. (قایق همه باهم خمینی را به خاطر بیاورید!) و شاهزاده که گویا خودش سکندار این قایق همه باهم است در فکر برگزاری "کنگره ملی" در همین تابستان است که قرار است به يك نافرمانی مدنی منجر شود: "کردها وارد عمل خواهند شد و

کارگران نفت هم اعتصاب خواهند کرد و ... " (به خاطر بیاورید که تابستان امسال را بعضیها زمان احتمالی حمله نظامی آمریکا میدانند!) کارگران نفت که در همان انقلاب ۵۷ با شاه و سلطنت تعیین تکلیف کرده اند مسلما برای شاهزاده تره هم خرد نخواهند کرد. قاعدتا ناسیونالیستهای حزب دمکرات و باند سیاهی های عبدالله مهتدی و آن جریانات قوم پرستی است که اخیرا "انستیتوی امریکن انترپرایز" برایشان کنفرانسی ترتیب داده بود تا برای سناریوی سیاه آماده شان کند. جریاناتی که اتفاقا با مانع مردم کردستان مواجه خواهند شد که با فستیوالهای انسانی و با شکوه آدم بریفها نشان داده اند در مقابل سناریوهای قوم پرستانه هستند.

گزارش نیویورکر با تمام تلاشش برای دادن تصویر جدی از شاهزاده و اطرافیانش نتوانسته است فضای پوشالی و مسخره شاهزاده و محافل اطرافش را پنهان کند: رضا پهلوی در ضیافتی با حضور ایرانی-آمریکاییهای جمهوری خواه ثروتمند تقاضای کمک مالی میکند. جواب میلیونرهای سلطنت طلب: در کنار هر دلاری که شما کنار بگذارید ما هم معادلش را تقدیم خواهیم کرد! رضا پهلوی که تازه از دور جمع آوری دلار از امرا و شیوخ قطر و بحرین و خاندان آل سعود باز گشته است اعلام میکند: "من که پولی در بساط ندارم."

در گزارش نیویورکر به محافلی از هیئت حاکمه آمریکا و اپوزیسیون ایرانی اشاره میشود که مشترکا تلاش میکنند دولت آمریکا را قانع کنند به جای سناریوی شبیه عراق، بهتر است برای مقابله با انقلاب مردم ایران پای "انقلاب" مخملی "بروند. سه متخصص سیاسی که در استخدام بنیادهای فکری محافظه کاران جدید در آمریکا هستند برای جا انداختن این سناریو مشترکا رساله ای نوشته اند تحت عنوان: "فراسوی تغییرات تدریجی: استراتژی نوین برای مقابله با ایران". (بهتر است گفته شود استراتژی مقابله با انقلاب مردم ایران). عباس میلانی یکی از این سه متخصص است. در این استراتژی نوین قرار است آمریکا روی "جامعه مدنی" حساب کند و آنرا برای سازمان دادن يك "انقلاب" مخملی "بکار گیرد. عباس میلانی

به مقامات آمریکایی توصیه کرده است که "با مقامات ایرانی مذاکره کنید، اما با هدف براندازی آنها!"

"انقلاب" مخملی "عنوان تحولاتی است که در بعضی از کشورهای باقیمانده از فروپاشی بلوک شرق رخ داد تا سلطه سرمایه داری بازار آزاد در این کشورها را به فرجام قطعی برساند. جهان سرمایه داری غرب تمام امکانات مادی و سیاسی و تبلیغی اش را بسیج کرد تا نارضایتی مردم این کشورها را به نفع سیطره احزاب طرفدار سلطه مطلق سرمایه داری بازار آزاد سوق دهد. در نتیجه این "انقلابهای مخملی"، میلیونها این جوامع توانستند با سرعت بیشتری سرمایه انباشت کنند؛ مردم با شتاب بیشتری فقیرتر شدند؛ بیخانمانی و اعتیاد گسترده تر شد و بازار باندهای قاچاق دختران جوان این کشورها به عنوان تن فروش رونق بیشتری گرفت. با این حساب، ارتجاع مخملی عنوان درستتری برای این تحولات است. به جرئت میتوان گفت که نسخه های این متخصصین سیاسی برای ارتجاع مخملی در ایران روی دستشان خواهد ماند. به این دلیل ساده که مسئله مردم ایران جابجایی ساده سیاسی در آن بالا نیست. مردم ایران نمیخواهند مافیای اقتصادی سرمایه داران اسلامی را به زیر بکشند و به جایش مافیای جدید سرمایه داران اتوکشیده بانک جهانی را نصب کنند. مردمی که مخصوصا در همین چند سال گذشته با صدای رسا اعلام کرده اند که دنیایی انسانی میخواهند، آزادی میخواهند، برابری میخواهند را نمیتوان با ارتجاع مخملی سرکار گذاشت. علاوه بر این، مردم ایران هر روز بیشتر از گذشته به این حقیقت پی برده اند که باند مسلح اسلامی حاکم بر سرنوشتشان را فقط با نیروی متشکل و به قدرت يك انقلاب قدرتمند میتوانند زیر بکشند.

نقش مجاهدین در گزارش نیویورکر حقیقتا تماشایی است. مطلع میشویم که مجاهدین سه بنگاه آمریکایی روابط عمومی را استخدام کرده اند که بشدت تلاش میکنند نام این سازمان را از فهرست گروههای تروریست وزارت امور خارجه آمریکا خارج کنند. روشن است که از نظر مجاهدین این اتفاق میتواند مجاهدین را به یکی از بازیگران سیاسی در محاسبات

سیاسی آمریکا تبدیل کند. گریجوی مینجک (یکی از مدیران بنگاههایی که برای در آوردن مجاهدین از لیست سازمان تروریستی مجاهدت میکنند) از قول خود مجاهدین گوشه ای از این نقش را افشا میکند: تبدیل شدن به پیشقراول حمله نظامی. همان نقشی که مجاهدین افغانستان بازی کردند. همان نقشی که جلال طالبانی و مسعود بارزانی ایفا کردند. همان نقشی که سپاه بدر مجلس اعلاي انقلاب اسلامی در عراق بازی کرد. به خاطر بیاورید که چندی پیش، در جریان تعیین تکلیف آمریکا با مجاهدین در پایگاه اشرف در عراق، یکی از کارکنان سازمان سیا گفته بود مجاهدین ظرفیت دست زدن به اعمالی دارند که مستقیا از عهد ما بر نمی آید. مجاهدین صمیمانه تلاش میکنند نشان دهند که برای ایفای چنین نقشی از همه جریانات مذهبی و قومی دیگر سر تر هستند. ریوند تانتر، استاد دانشگاه جورج تاون بعد از دیدار شش ساعته اش با مریم رجوی قول داده است که اگر مجاهدین بتوانند چنین نقشی ایفا کنند به زودی در کاخ سفید، خانم لوار بوش و کاندالیزا رایس و مریم رجوی در يك عکس دسته جمعی ظاهر خواهند شد. این آرزو فقط در يك صورت عملی است: اگر آمریکا و مجاهدین و سازمانهای قوم پرست بتوانند جنبش انقلابی مردم ایران را در سناریویی از نوع عراق غرق در خون کنند.

گزارش مجله نیویورکر به نیمه تحولات سیاسی در ایران میپردازد. اما با وقاحت معمول رسانه های غربی در مورد نیمه دیگر آن سکوت میکند. آن نیمه دیگر، تمایلات واقعی سیاسی مردم ایران است. به میدان آمدن طبقه کارگر است. رشد محبوبیت حزب کمونیست کارگری است. مردم نه میخواهند امت امام باشند و نه رعیت شاه. مردم نه فقری را که سرمایه داران میلیارد اسلامی بر آنها تحمیل کرده اند میخواهند و نه فقط تحمیل شده نمایندگان بانک جهانی را. نه اختناق مذهبی میخواهند و نه اختناق رضا پهلوی و احمد اویسی و پرویز ثابتی را. مردم میخواهند از دست باند اسلامی خامنه ای و خاتمی رها شوند و اسیر باند اسلامی رجوی شوند. مردم ایران این تمایلات بنیادی خود را بارها و

از صفحه ۱ گفتگو با حمید قنوازی

سیاستهای میلیتاریستی اش به مراتب مشکل تر از مقطع حمله به عراق است. عامل دیگر افکار عمومی مردم در خود کشورهای غربی است که هم اکنون در سطح گسترده ای خواهان خروج نیروهای نظامی از عراق است و با تکرار تجربه عراق تحت هر بهانه و دلیلی مخالف است. مجموعه این شرایط آمریکا را در حمله نظامی به ایران بسیار محتاط می‌کند. به نظر می‌رسد حتی خود هیات حاکمه آمریکا هنوز به تصمیم قطعی ای در این مورد نرسیده است.

اما با این وجود احتمال دست زدن آمریکا به حمله نظامی منتفی نیست. پافشاری جمهوری اسلامی به ادامه پروژه های هسته ایش و عقیم ماندن تلاشهای دیپلماتیک نظیر به نتیجه نرسیدن مذاکرات جمهوری اسلامی با روسیه و با مقاماتی از اروپای واحد در هفته گذشته، از جمله عواملی است که احتمال حمله نظامی را بالا می‌برد. به توافق نرسیدن با متولفین اروپایی نیز ممکن است دولت آمریکا را بیشتر به سمت حمله نظامی، که خود آنرا آخرین گزینه مینامند، سوق بدهد. اخیرا جان بولتون، سفیر دولت آمریکا در سازمان ملل، اعلام کرد که اگر جمهوری اسلامی شیوه خود در رابطه با بحران اتمی را تغییر ندهد باید منتظر عواقب دردناک آن باشد و تاکید کرد که کشور آمریکا برای برخورد با ایران به شورای امنیت اتکا نخواهد کرد. این "راه حل"، که معنی آن در واقع حمله نظامی یکجانبه دولت آمریکا مستقل از نظرات متحدین اروپایی است، با تشدید بحران و عقیم ماندن ابتکارات دیپلماتیک برای حل مساله، که اروپا و بویژه روسیه و چین متمایل به آن هستند، احتمال بیشتری پیدا میکند. ارجاع پرونده جمهوری اسلامی به شورای امنیت نیز يك گام دیگر در جهت تشدید تنش و بسته شدن راههای دیپلماتیک حل مساله است.

در هر حال مستقل از درجه احتمال حمله نظامی، نفس اعلام اینکه دولت آمریکا ممکن است به چنین اقدامی دست بزند يك فاکتور مهم است که نتایج سیاسی منفی و زیانباری برای مردم ایران و منطقه و جهان در بر دارد. و در صورتیکه چنین حمله ای عملا صورت بگیرد

با يك فاجعه عظیم انسانی و سیاسی روبرو خواهیم بود. باید از هم امروز با تمام قوا در برابر هر دو سوی این کشاکش ارتجاعی ایستاد. مردم ایران و جهان میتوانند و باید نقش تعیین کننده ای در ختم این تنش و به عقب راندن هر دو قطب آن داشته باشند و این خود عامل تعیین کننده در جلوگیری از این جنگ ضد انسانی خواهد بود.

هدف استراتژیک آمریکا از حمله به ایران مانند تهاجمات نظامی قبلی حمله به عراق و افغانستان جزئی از سیاست میلیتاریستی آمریکا برای کسب تفوق و هژمونی جهانی در جهان پسا جنگ سرد است. تا زمانی که شوری و بلوک شرق وجود داشت آمریکا تحت لوای مقابله با خطر کمونیسم رهبری بلوک غرب را بعهده داشت و در این موقعیت تثبیت شده بود. اما با اضمحلال بلوک شرق، اردوگاه غرب نیز معنی و ضرورت سیاسی وجودی خود را از دست داد و لذا تامین سلطه و تفوق بورژوازی آمریکا، این بار در راس جهان و نه تنها اردوگاه غرب، به رکن سیاست خارجی هیات حاکمه آمریکا تبدیل شد. میلیتاریسم و قلدر منشی و ایفای نقش ژاندارم جهانی شیوه دولت آمریکا برای تامین این تفوق است.

این هژمونی طلبی میلیتاریستی از همان مقطع جنگ اول خلیج، که منصور حکمت آنرا طلوع خونین نظم نوین جهانی نامید، يك فاکتور و خصیصه سیاسی مهم در شکل دادن به نظم نوین سرمایه داری بوده است. و مقابله با تروریسم اسلامی محمل و قالب سیاسی مشخصی است که بویژه پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ به این هژمونی طلبی زمینه سیاسی و امکان بروز و مشروعیت بخشیدن بخود میدهد. آمریکا از مقطع یازده سپتامبر اهداف سلطه جویانه خود را در قالب جنگ با تروریسم اسلامی به پیش میبرد. حمله به افغانستان و حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ نبردهای معینی از این جنگ بین دو قطب تروریسم دولتی و تروریسم اسلام سیاسی بودند و حمله نظامی به ایران نیز مورد دیگری از همین جنگ است.

مساله مورد مجادله این بار ظاهرا دست یافتن جمهوری اسلامی

به سلاحهای اتمی است. آمریکا و دول غربی با تبدیل جمهوری اسلامی به يك قدرت اتمی مخالفند اما این مخالفت در همان چهارچوب تامین سلطه و هژمونی طلبی آمریکا در راس سرمایه داری غرب معنی پیدا میکند. هدف همچنان تامین سروری آمریکا است، مساله آمریکا رام کردن و گنجانیدن جمهوری اسلامی در چارچوب سیاست منطقه ای اش در خاورمیانه است و مخالفتش با اتمی شدن جمهوری اسلامی صرفا به این خاطر است. جمهوری اسلامی در چارچوب سیاست خارجی آمریکا عمل نمیکند و بویژه در منطقه خاورمیانه، در عراق و در فلسطین، با حمایت از نیروهای تروریست اسلامی مزاحم سیاستهای دولت آمریکا و غرب است. اگر این اصطکاک منافع بین آمریکا و کلا دول غربی با رژیم ایران وجود نمیداشت میتوانستند مانند مورد پاکستان از کنار مساله سلاحهای اتمی بگذرند و حرفی هم از "بحران هسته ای" بنیان نیاورند.

محسن ابراهیمی: به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی به هر دری می‌زند تا پروژه های اتمیش را به فرجام برساند و اگر چه با تردید و افت و خیز خودش يك پای این تنش است. جمهوری اسلامی چه اهدافی را دنبال میکنند؟

حمید قنوازی: جمهوری اسلامی، مثل هر حکومت بورژوازی دیگری، خواستار قدرت بیشتر در عرصه سیاست داخلی و منطقه ای و بین المللی است و در جنگ سرمایه داری معاصر دست یابی به سلاح اتمی یکی از راههای کسب این قدرت است. اما برای حکومت اسلامی ایران نیز مساله صرفا از دست یابی به اسلحه اتمی فراتر می‌رود و در چارچوب مقابله با آمریکا و غرب معنی کامل خود را پیدا میکند. برای جمهوری اسلامی از همان بلو بقدرت رسیدن مقابله با آمریکا و "شیطان بزرگ" سیاستی برای مشروعیت بخشیدن به خود بوده است. ابتدا این ضد آمریکائی گری وسیله ای برای سرکوب انقلاب آمریکا و سران دول غربی برای در هم شکستن انقلاب روی کار آمد و این سرکوب انقلاب تحت نام انقلاب مستلزم موضعگیریهای تند ضد

آمریکائی بود. کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد و وابستگی و سر سپردگی کامل شاه به آمریکا يك خصلت قوی ضد آمریکائی به انقلاب ۵۷ میبخشید و رجزخوانی علیه آمریکا کم خرج ترین و مناسب ترین راه برای انقلابی نمائی حکومت تازه و سرکوب و به عقب راندن مبارزات کارگران و زنان و دانشجویان و مقابله با جنبش انقلابی در کردستان و ترکمن صحرا محسوب میشد. جمهوری اسلامی در واقع خواست آزادی و رفاه و خواستهای برابری طلبانه ای که مردم انقلابی بعد از سقوط شاه به حق خواستار تحقق آن بودند را در پیشگاه تبلیغات ضد آمریکائی سربرید و انقلاب را در هم شکست. بویژه اینکه ضدیت با تمدن و مدرنیسم و بازگشت به "خود" و فرهنگ فوق ارتجاعی ملی-اسلامی "خود" را میشد تحت نام مبارزه با شیطان بزرگ توجیه کرد و از آن ابزاری در دفاع از فرهنگ و قوانین مذهبی حکومت تازه ساخت. این نوع استفاده از ضد

آمریکائی گری در تمام طول حیات جمهوری اسلامی، گاه شدید تر و گاه ضعیف تر، ادامه داشته است و بعنوان ابزار مشروعیت بخشیدن به حکومت اسلامی عمل میکرده است. با شکست بلوک شرق در واقع يك نوع فضای باز سیاسی برای دولتهای بورژوازی در سراسر جهان بوجود آمد. ناسیونالیسم و مذهب و قومی گری در دنیای بهم ریخته پس از جنگ سرد بویژه در اروپای شرقی و جمهوریهای شوروی سابق و خاورمیانه به تاخت و تاز پرداختند و اسلام سیاسی نیز افسار گسیخت و در خاورمیانه و شمال آفریقا به جلو عرصه سیاست رانده شد. این شرایط زمینه و امکانات بیشتری به حکومت جمهوری اسلامی برای بازی کردن با کارت ضدیت با شیطان بزرگ بخشید. امروز جمهوری اسلامی دیگر نه با هدف توهم پراکنی و نمایندگی انقلاب گذشته، بلکه برای حفظ و بقای خود در برابر انقلاب نویسی که در ایران شکل میگیرد تلاش میکند تا چهره ضد

آمریکائی خود را حفظ کند. در شرایط حاضر بویژه بعد از شکست دو خرداد که میکوشید نوعی مسامحه با غرب و سیاست

روی کار آمدن احمدی نژاد، دوباره این نوع تبلیغات و رجزخوانیهای ضد آمریکائی حکومت بالا گرفته است و در چنین متنی است که بحران اتمی جمهوری اسلامی به محور تنش تبدیل میشود. دست یافتن به اسلحه اتمی و حتی نفس این مقابله و کشمکش با آمریکا به جمهوری اسلامی امکان میدهد که در جنبش اسلام سیاسی، که امروز به بین حمله آمریکا به عراق تمام خاورمیانه را در بر گرفته و دامنه عملیات تروریستی خود را به پایتختهای اروپائی نیز کشانده است، بعنوان يك قربانی و مظلوم و قهرمان جهاد علیه آمریکا ظاهر شود و از سوی دیگر بکوشد که اعتراضات و جنبش انقلابی مردم در ایران را به عقب براند و مرعوب کند. تروریسم دولتی غرب و اسلام سیاسی در عین مقابله با یکدیگر، همیشه به طرف مقابل خود توجیه و زمینه فعالیت داده اند و مورد بحران هسته ای اخیر نیز یکی از موارد بارز این خدمت متقابل و دو قطب تروریستی در دنیای نظم نوین سرمایه است.

محسن ابراهیمی: در صورتی که این کشمکش به حمله نظامی منجر شود چه عواقب اجتماعی و سیاسی خواهد داشت؟ چه در سطح جهان و منطقه و چه در ایران.

حمید قنوازی: حمله نظامی هم از نظر انسانی و هم سیاسی يك فاجعه خواهد بود. صحبت از حمله به تاسیسات هسته ای جمهوری اسلامی در میان است. این تاسیسات در کنار شهرها و مناطق مسکونی ساخته شده و بر فرض هم که حمله هوائی آنطور که ادعا میکنند دقیق و جراحی نظامی باشد باز هم تشعشعات اتمی و آلودگی ناشی از آن بسیاری از مردم شهرهای مجاور این مناطق را قربانی خواهد کرد. با احتمال زیاد فاجعه انسانی از نوع چرنوبیل نتیجه چنین عملیاتی خواهد بود و حتی نسلهای آتی از مصائب و نتایج فاجعه بار این جنگ مصون نخواهند ماند.

از نظر سیاسی نیز این جنگی جنایتکارانه و علیه انسانیت است. حمله نظامی به ایران اهداف ادعائی آمریکا یعنی جلوگیری از پروژه

از صفحه ۳

گفتگو با حمید تقوایی

هسته ای جمهوری اسلامی و یا مقابله با تروریسم اسلامی را بر آورده نخواهد کرد بلکه همانطور که تجربه عراق بروشنی نشان میدهد، اسلام سیاسی را به مراتب تقویت خواهد کرد و به جمهوری اسلامی امکان خواهد داد که با دست باز تری پروژه هسته ای خودش را به پیش ببرد. حتی اگر جمهوری اسلامی در اثر حمله سرنگون شود جامعه ایران نیز مانند عراق به میدان تاخت و تاز ارتجاعی ترین دار و دسته های نیروهای اسلامی و ملی و قومی تبدیل خواهد شد.

از سوی دیگر همانطور که در سؤال قبلی اشاره کردم ارباب و عقب راندن مبارزات مردم و جنبش انقلابی در ایران از عواقب دیگر حمله نظامی خواهد بود. این حمله به هر نتیجه ای منجر شود نیروهای سیاه ارتجاعی را، در کنار و یا در مقابل آمریکا، به جلوی صحنه سیاست میراند و جنبش انقلابی و سرنگونی طلبانه مردم ایران را در موقعیت بسیار نامساعد تر و دشوار تری قرار میدهد.

نتایج زاینبار این جنگ بسیار از ایران ومنطقه خاورمیانه فرا تر میروند. در سطح جهانی، در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و حتی در خود کشورهای غربی، جنبش اسلام سیاسی بیشتر میدان پیدا میکند و عملیات تروریستی و انتحاری بالا میگیرد. شیوه جنگ اسلام سیاسی لشکر کشی و بمباران هوایی نیست بلکه عملیات تروریستی از نوع ۱۱ سپتامبر و منفجر کردن مدارس و رستورانها و اتوبوسها و متروها و کشتار زن و مرد و کودک در بغداد و بالی و مادرید و بسلان و نیویورک و لندن است. با حمله به ایران این نوع عملیات در ابعاد وسیعتر و فاجعه بار تری شدت خواهد گرفت و دنیا وارد دوره سیاه دیگری از جنگ تروریستها خواهد شد.

اساس مساله اینست که تروریسم دولتی غرب و تروریسم اسلامی از لحاظ سیاسی به یکدیگر علت و توجیه و زمینه وجودی میدهند. و بهای این دور باطل جنگ و جنایت را مردم جهان، در کشورهای اسلامزده و دسراسر دنیا، با جان و هستی خود میپردازند.

محسن ابراهیمی: حزب با تحریم

اقتصادی نیز مخالف است. دلایل این مخالفت چیست؟ چرا تحریم اقتصادی نمیتواند چاره ساز باشد؟

حمید تقوایی: قربانی تحریم اقتصادی مردم ایران خواهند بود و نه حکومت. دولتهائی که مورد تحریم قرار میگیرند به هر طریق شده بودجه لازم برای حفظ خود و ماشین سرکوبشان را به قیمت تحمیل فقر و مصیبت و مرگ و میر به مردم تامین میکنند، و حتی این امکان را پیدا میکنند که همه مسائل و مشکلات را به گردن تحریم اقتصادی بیاندازند و خود را از زیر تیغ اعتراض و مبارزه مردم بدر ببرند. درعراق در دوره تحریم اقتصادی دهساله حکومت صدام عینا همین اتفاق افتاد و در حالیکه سالانه تنها نیم میلیون کودک بخاطر گرسنگی و بی داروئی تلف میشدند حکومت صدام و ماشین پلیس و دولتی اش بر سر جای خود بود و به سرکوبگریها و جنایانش ادامه میداد. در مورد جمهوری اسلامی نیز وضعیت از همین قرار خواهد بود. معمولا معامله با دولتهای تحت تحریم در بازار سیاه سرمایه جهانی بسیار سود آور است و رژیم جمهوری اسلامی نیز مانند رژیم صدام خواهد توانست از طریق فروش قاچاق نفت در آمد لازم برای حفظ خود را تامین کند و از سوی دیگر همه مشکلات را به گردن تحریم اقتصادی بیاندازد و کشورهای تحریم کننده را مسئول فقر و وضعیت مصیبت بار مردم، که هم اکنون اکثریتشان زیر خط فقر زندگی میکنند، معرفی کند. تحریم اقتصادی در هر شرایطی سیاستی جنایتکارانه و ضد انسانی است و تنها نتیجه آن تحمیل فقر و بیماری و مرگ انسانها بخاطر بی غذائی و بی داروئی و بی امکاناتی خواهد بود. به این دلایل ما با تحریم اقتصادی در مورد هر کشور و در رابطه با هر مساله ای مخالفیم و با آن مقابله میکنیم.

محسن ابراهیمی: آمریکا قبلا به افغانستان و عراق حمله کرده است. این سومین مورد حمله نظامی در سالهای اخیر خواهد بود. آیا این مورد با موارد قبلی تفاوت دارد؟

سئوال هم در مورد شرایط سیاسی

امروز است و هم در مورد نتایج و عواقب احتمالی چنین حمله ای.

حمید تقوایی: همانطور که اشاره کردم تا آنجا که به اهداف استراتژیک آمریکا مربوط میشود حمله به ایران مانند موارد قبلی حمله به عراق و افغانستان جزئی از سیاست میلیتاریستی آمریکا برای کسب تفوق و هژمونی جهانی در جهان پسا جنگ سرد است. اما مورد ایران تفاوتها مهمی با موارد قبلی دارد. اولین تفاوت در اینست که این بار جمهوری اسلامی که ستون فقرات و پشتوانه جنبش اسلام سیاسی در دنیاست مستقیما مورد حمله قرار میگیرد. به این ترتیب این تهاجم به شکل عریان و بارز و برجسته ای شکل جنگ دولت آمریکا و متحدین غربی اش با تروریسم اسلامی را بخود میگیرد. و در نتیجه جنبش اسلام سیاسی از یکسو بیشتر از موارد گذشته بعنوان طرف حق بجانب و مظلوم و قربانی سیاستهای آمریکا ظاهر خواهد شد و از سوی دیگر توجیه و زمینه وسیعتری برای عملیات تروریستی و انتقامجویی در خاورمیانه و در سراسر جهان پیدا خواهد کرد.

ویژگی دیگر اینست که برای هیات حاکمه آمریکا و کلا دولتهای غربی فروختن جنگ به افکار عمومی مردم خود و دیگر کشورهای جهان با توجه به مخصصه عراق بسیار مشکل تر شده است و در نتیجه میتوان انتظار داشت که این بار جنبش ضد جنگ و مقابله مردم دنیا با تهاجم نظامی به ایران در ابعاد وسیع تر و فعال تری شکل بگیرد. هم چنین تجربه عراق از یکسو و گسترش فعالیتها تروریستی اسلامیهست در شهرهای اروپائی از سوی دیگر باعث شده است تا هم ماهیت ضد انسانی سیاستهای میلیتاریستی آمریکا و هم چهره کریه تروریسم اسلامی بیش از پیش برای مردم جهان عریان و افشا شود. این واقعیت شرایط مساعد تری برای مقابله رادیکال و انسانی با هر دو قطب تروریستی ایجاد میکند.

عامل مهم دیگر وجود یک جنبش اعتراضی و انقلابی رادیکال و سکولار و مدرن و چپ در ایران است. این فاکتور یک تفاوت اساسی، و از نقطه نظر مقابله جهان متمدن با هر دو سوی این کشمکش ارتجاعی و ضد انسانی، بسیار مهم و تعیین

کننده است. و بالاخره باید به وجود حزب کمونیست کارگری اشاره کرد که در واقع این جنبش انقلابی را نمایندگی میکند، یک نیروی تعیین کننده در اپوزیسیون جمهوری اسلامی است و در سطح ایران و جهان سیاستها و فعالیتها و شخصیتها در مقیاس نسبتا وسیعی شناخته شده و محبوب اند. این حزبی است که سرمایه داری بازار آزاد در دنیای پس از جنگ سرد را عمیقا به نقد کشیده است، طلوع خورشید نظم نوین جهانی را به دنیا هشدار داده است، پس از یازده سپتامبر پرچم جهان متمدن در مقابل دو قطب تروریسم دولتی غرب و تروریسم اسلامی را برافراشته است و خود یک نیروی فعال مبارزه علیه اسلام سیاسی و مقابله با میلیتاریسم غرب در ایران و سراسر جهان بوده است.

مجموعه این تفاوتها، بویژه نفس وجود جنبش وسیع اعتراضی و سرنگونی طلبانه در ایران و وجود حضور حزب کمونیست کارگری بعنوان نماینده جامعه و جنبش انقلابی سرنگونی طلبانه در ایران، شیوه عملی مقابله با مورد حمله نظامی به ایران را اساسا با موارد عراق و یا افغانستان متفاوت میکند.

محسن ابراهیمی: به شیوه های مقابله با این وضعیت و وظایف حزب در این زمینه خواهیم پرداخت. اما قبل از آن اجازه بدهید این سؤال را مطرح کنیم که به نظر شما در اثر این تنش و حمله نظامی احتمالی به ایران چه تحرکات و روند های سیاسی در سطح جهانی شکل خواهد گرفت؟ شما اشاره کردید که یک جنبش وسیع ضد جنگ در مقابله با حمله نظامی به ایران در سطح جهانی شکل خواهد گرفت. فکر میکنید چه نیروها و گرایشات سیاسی در این جنبش دخیل خواهند بود؟

حمید تقوایی: همانطور که اشاره کردم با توجه به اینکه این بار کشور مورد حمله پایگاه و ستون فقرات جنبش اسلام سیاسی است باید انتظار داشت که نیروهای اسلام سیاسی در خاورمیانه، در بسیاری از کشورهای اسلامزده حتی کشورهای متحد آمریکا نظیر عربستان سعودی و مصر و ترکیه و هم چنین کشورهای اروپائی که نیروهای اسلام

سیاسی شاخه دوانده و فعال هستند، وسیعا علیه حمله نظامی به ایران فعال شوند و به میدان بیایند. در اعتراضات علیه حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ نیز ما تحرك نیروهای اسلامیهستی که متاسفانه از جانب نیروهای غیر اسلامی مخالف آمریکا و حتی سازمانهای چپ سنتی تحمل میشدند و حتی مورد حمایت قرار میگرفتند را شاهد بودیم. این بار نیز چنین نیروهای تلاش خواهند کرد به جنبش ضد جنگ رنگ اسلامیهستی بزنند و این جنبش را به سمت حمایت از اسلام سیاسی و مشخصا جمهوری اسلامی سوق بدهند. در کشورهای غربی مشخصا نیروهای چپ سنتی ضد آمریکائی، نظیر حزب سوسیالیست کارگران در انگلیس، که اسلام سیاسی را بخاطر ضديت اش با آمریکا مترقی میدانند و همیشه نسبت به آن برخوردی دوستانه و حمایت آمیز داشته اند، و یا حتی نیروهای ضد آمریکائی سکولاری که در شرایط عادی ارزیابی مثبتی از اسلام سیاسی ندارند اما معتقدند در شرایط حمله نظامی آمریکا نباید اسلام سیاسی را تضعیف کرد، در کنار اسلامیهستها قرار خواهند گرفت و عملا به نیروی حامی جمهوری اسلامی تبدیل خواهند شد. از هم اکنون ما شاهد تحركاتی از جانب این نیروها در کشورهای مختلف هستیم. به نظر من این گرایش ضد آمریکائی- پرو اسلامیهستی مهمترین مانع بر سر راه شکل دادن به یک جنبش وسیع و رادیکال جهانی علیه هر دو قطب تروریستی است. دسته دیگر نیروهای سکولار و فعالین جنبش مقابله با اسلام سیاسی در غرب هستند. احزاب و سازمانها و شخصیتها که بعنوان مثال مشخصا به دفاع از کاریکاتوریهستهای دانمارکی برخاستند و یا به کمپین های ما علیه دادگاههای اسلامی و علیه اعدام و سنگسار و علیه قتلهای ناموسی در اروپا و آمریکای شمالی پیوستند و یا سازمانهای مدافع حقوق زن که از این زاویه با شاخه دواند اسلامیهستها در کشورهای غربی مخالفند و غیره. این نیروها بالقوه میتوانند علیه میلیتاریسم و تهاجم نظامی آمریکا و غرب و

از صفحه ۴ گفتگو با حمید تقوایی

اسلامی سیاسی هر دو بمیدان بیابند و در این کمپین مشخص نیز در کنار حزب ما قرار بگیرند. خلاصه کنم: مشخصاً سه جریان سیاسی یعنی اسلامیهستها، نیروهای ضدآمریکائی - پرو اسلامیهستی و بالاخره نیروهای سکولار ضد اسلام سیاسی جریانات عمده ای هستند که در این دوره در مقابل حمله نظامی آمریکا فعال خواهند شد. در اینجا وارد نقش حزب و جنبش کمونیسم کارگری نمی‌شوم. قرار شد به نقش کمونیسم کارگری و وظایف حزب در سئوالهای بعدی بپردازیم.

در سطح خاورمیانه و کلا کشورهای اسلامزده نیروهای اسلامی ضد آمریکائی شدیداً فعال خواهند شد و بخشهایی از مردم این کشورها را بدنبال خود خواهند کشید. ما در این کشورها تحولاتی شبیه آنچه در رابطه با مساله کاریکاتورها از جانب دولت‌ها و احزاب و ملاحضات اسلامی سازمانده شده، منتهی در سطحی وسیعتر و تعرضی تر را شاهد خواهیم بود. گسترش عملیات تروریستی نیروهای اسلامی در خاورمیانه و در سراسر جهان نیز گوشه دیگری از این تصویر است که همانطور که بالاتر اشاره کردم بویژه در صورتی که تنش موجود به حمله نظامی منجر شود ابعاد گسترده ای بخود خواهد گرفت.

البته در خود ایران که کانون بحران است چنین تحولاتی صورت نخواهد گرفت. مردم ایران بیست و هفت سال است که تروریسم اسلامی را بعنوان حکومت تجربه کرده اند و نسبت به تبلیغات ضد آمریکائی آن نیز کاملاً مصونیت پیدا کرده اند. بنا براین جمهوری اسلامی قادر به بسیج مردم تحت لوای خطر حمله امریکا نخواهد بود. همچنانکه در رابطه با کاریکاتورها نیز قادر به چنین کاری نشد. رژیم بیشک گله های حزب الله و لباس شخصیها و تظاهراتچی های حرفه ای خود را به خیابانها خواهد ریخت اما قادر نخواهد بود هیچ بخشی از مردم را به حمایت از خود بسیج کند. جمهوری اسلامی از این تنش و کشاکش اساساً در جهت مرعوب و مستاصل کردن مردم و مقابله با اعتراضات آنان تحت لوای جنگ با شیطان بزرگ استفاده خواهد کرد.

محسن ابراهیمی: در میان طیف

اپوزیسیون شاهد چه روندهایی خواهیم بود؟

حمید تقوایی: به نظر من اپوزیسیون راست و مشخصاً نیروهای سلطنت-جمهوریخواه بسته به سیر تحولات مواضع متفاوتی را اتخاذ خواهند کرد. در شرایط حاضر که هنوز در آغاز این تنشها هستیم و حمله نظامی فعلاً در حد تهدید است گرایش ناسیونالیستی از موضع دفاع از میهن و تمامیت ارضی در مقابل حمله نظامی آمریکا گرایش مسلط در میان نیروهای اپوزیسیون راست خواهد بود. در جنگ ایران و عراق نیز نیروهای راست چنین موضعی داشتند. مدتی پیش، در همان ابتدای شروع تنشهای اخیر، داریوش همایون اعلام کرد که در مقابل حمله نظامی بیگانگان از جمهوری اسلامی دفاع خواهد کرد تا به تمامیت ارضی ایران خدشه ای وارد نشود!

در عین حال نیروهای اپوزیسیون راست سعی خواهند کرد از این کشمکش استفاده کرده و حمایت آمریکا را به راه حلی که خود در آن نقشی داشته باشند جلب کنند. با جدی شدن احتمال حمله نظامی و وقوع آن این گرایش جلب حمایت آمریکا قوی تر میشود و نیروهای راست تلاش خواهند کرد بیشتر بعنوان آلترناتیو حکومتی مورد تایید آمریکا ظاهر شوند و برای ایفای نقش چلبی ایران با یکدیگر به رقابت بپردازند.

در میان نیروهای ملی - مذهبی که امروز میتوان آنها را نیروهای اپوزیسیون احمدی نژاد نامید، دفاع از جمهوری اسلامی و حفظ نظام در مقابل آمریکا گرایش مسلط خواهد بود. اینان فعلاً در رابطه با سیاستهای احمدی نژاد در برخورد با آمریکا و غرب و مشخصاً عملکردش در رابطه با مساله پروژه هسته ای غر و لند میکنند و "دستاوردی" دوره خاتمی را به رخ میکشند اما با حاد تر شدن بحران همین حد از غرولندهای زیر لبی را هم کنار خواهند گذاشت و تماماً پشت حکومت به صف خواهند شد.

محسن ابراهیمی: سیاست و موضع حزب کمونیست کارگری در قبال این اوضاع چه باید باشد؟ حزب برای مقابله با این اوضاع در چه

موقعیتی قرار دارد؟

حمید تقوایی: اساس سیاست ما همانست که از ۱۱ سپتامبر تا کنون خط راهنمای حزب بوده است: مقابله با هر دو قطب تروریسم دولتی غرب و تروریسم اسلامی به نمایندگی و در دفاع از جهان متمدن و مردمی که قربانی این جنگ وحشیانه هستند. حزب ما در این دوره باید تبیین و تحلیل و نقد عمیق خود از میلیتاریسم دولت آمریکا و اسلام سیاسی، جایگاه این دو در نظم نوین سرمایه داری جهانی و رابطه متقابل آنان با یکدیگر را وسیعاً به میان مردم ببرد و اشاعه دهد و بر این مبنا به بسیج و سازماندهی نیرو علیه جنگ بپردازد. ما به حقیقت و به قدر ریشه ای و انسانی وضعیت سرمایه داری جهانی و جهنمی که برای مردم سراسر جهان ایجاد کرده است مجهزیم و این اسلحه کارا و موثر ما برای مقابله با دور جدید جنگ تروریستهاست. بحران اخیر یکبار دیگر گوشه‌ها را برای شنیدن حقیقت باز خواهد کرد. مردم گرفتار آمده در دور باطل جنایت و جنایت متقابل میان دو قطب تروریستی میخوانند بدانند در مقابل این وضعیت چه باید بکنند، و پاسخ انسانی و واقعی به این سؤال که در اذهان میلیونها انسان شکل میگیرد در نزد ماست. پاسخ ما اعتراض و مقابله با میلیتاریسم غرب و اسلام سیاسی هر دو است. ما با تمام توان میکوشیم حول این سیاست نیروی مردم را بسیج کنیم و بمیدان بیاوریم، در آکسیونهای ضد جنگ فعالانه شرکت کنیم و سیاست خود را به خط و گرایش مسلط در جنبش ضد جنگ تبدیل کنیم.

این خط مشی عمومی در رابطه با حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ نیز مبنای فعالیت ما بود. باید از این سیاست عمومی منطبق با وضعیت مشخص امروز استنتاجات عملی مشخص کرد. همین مشی در مقطع حمله آمریکا به افغانستان ما را به این نتیجه رساند که حمله را محکوم نکنیم و صرفاً به بیمارار مناطق مسکونی که منجر به کشتن مردم بیگناه میشد اعتراض کردیم. در حالیکه حمله آمریکا و متحدینش به عراق در هر دو مورد سال ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ را هم از نظر سیاسی و هم انسانی شدیداً محکوم کردیم. و در

همه این موارد هم سیاست ما با توجه به شرایط ویژه هر مقطع اصولی و رادیکال و انسانی بود. امروز نیز شرایط ویژه این دور مقابله میان آمریکا و اسلام سیاسی که به اهم آنها در بالا اشاره کردم نقش مهمی در تعیین سیاست مشخص عملی ما ایفا میکنند. این بار نه حکومت صدام و یا طالبان بلکه حکومتی تحت حمله قرار گرفته است که پایگاه اسلام سیاسی است و در عین حال با یک جنبش فعال سرنگونی طلبانه و انقلابی در جامعه خود رویوست. وجود حزب کمونیست کارگری ایران نیز خود یک ویژگی تعیین کننده شرایط حاضر است. در تنش اخیر نیز مانند موارد گذشته مساله سرنگونی بود و نبود رژیم که تحت حمله قرار گرفته است در سطح جهانی به یک موضوع و مساله مطرح روز تبدیل میشود. اما این بار این امکان عملی وجود دارد که این مساله از موضع مردم متمدن دنیا پاسخ بگیرد.

حزب ما باید با آلترناتیو و پاسخ مشخص خود به این مساله در سطح جهانی حاضر شود. حزب کمونیست کارگری ایران یک نیروی اصلی در اپوزیسیون سرنگونی طلب حکومت اسلامی است و در شرایطی که جمهوری اسلامی در سطح جهانی انتظار را بخود معطوف کرده است موظف است بعنوان نماینده مردم ایران و سخنگوی جنبش اعتراضی و انقلابی آنان در آکسیونها و میتینگها و در پشت تریبونها حاضر شود و جهانیان را به حمایت از مبارزات مردم ایران فرا بخواند. واقعیت آنست که کلید حل این بحران اخیر در دست مردم ایران است، تنها سرنگونی جمهوری اسلامی بقلرت انقلابی مردم است که مساله اتمی را حل خواهد کرد و ضربه کاری ای به اسلام سیاسی خواهد بود. این حقیقت را باید با صدای بلند به مردم دنیا اعلام کرد و از آنان خواست که از مبارزات مردم ایران حمایت کنند. باید به مردم دنیا گفت که حمله نظامی و تحریم اقتصادی راه حل مساله نیست بلکه برعکس مسائل را حاد تر و وخیم تر میکند، و آنان را فراخواند که در مقابل میلیتاریسم غرب و حمله نظامی به ایران بایستند. باید به مردم دنیا اعلام کنیم که حمله به ایران جمهوری اسلامی و در سطح جهانی تروریسم اسلامی را تقویت

خواهد کرد و به مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران ضربه خواهد زد، در مقابل حمله نظامی بایستید و از مبارزه مردم ایران حمایت کنید.

حزب ما اخیراً طرد جمهوری اسلامی از جامعه جهانی را سیاست مشخص خود در خارج کشور اعلام کرده است (رجوع کنید به "پلاتفرم برای سازماندهان یک تعرض گسترده علیه جمهوری اسلامی در خارج کشور" مندرج در انتناسیونال شماره ۱۲۲). این سیاست که قبل از بالا گرفتن تنشهای اخیر اتخاذ و اعلام شد، سیاست عمومی ما در خارج کشور را تعیین میکند. شرایط اخیر زمینه بسیار مساعدی برای پیشبرد این سیاست فراهم میکند. ما در این شرایط و در دل جنبش ضد جنگ، و در آکسیونها و میتینگها و پانلها و مصاحبه ها و در پشت تریبونها باید اعلام کنیم که جمهوری اسلامی نماینده جامعه ایران نیست و نباید بعنوان دولت ایران از جانب دولت‌ها و نهادهای بین المللی برسمیت شناخته شود. باید همه جا بعنوان نماینده و سخنگوی مردم ایران و جنبش انقلابی مردم ایران ظاهر شویم و از جهانیان بخواهیم با حکومت اسلامی همانگونه رفتار کنند که با رژیم آفریقای جنوبی کردند.

این فراخوان حمایت از مبارزات مردم ایران و طرد جمهوری اسلامی از جامعه جهانی در دل بالاگرفتن تنشها و احتمال حمله نظامی به ایران اهمیت ویژه ای پیدا میکند. این در واقع یک اقدام عملی و موثر جهان متمدن در مقابله با اسلام سیاسی است. جمهوری اسلامی یک پایگاه مهم و ستون فقرات جنبش اسلام سیاسی است و حمایت از مبارزه مردم در مقابل آن و طرد این حکومت از جامعه جهانی ضربه موثری به تروریسم اسلامی در سطح خاورمیانه و تمام جهان وارد خواهد کرد.

اینجا دیگر سرنگونی جمهوری اسلامی صرفاً یک امر مربوط به سیاست داخلی ایران نیست بلکه امری بین المللی و جزئی از پاسخ ما به مساله بین المللی جنگ تروریستهاست.

ما بارها در نوشته ها و اسناد حزبی بر اهمیت وضعیت سیاسی ایران در نظم نوین جهانی تاکید کرده ایم و نشان داده ایم که چگونه

از صفحه ۵ گفتگو با حمید تقوایی

ایران به محل رویارویی و تلاقی سرمایه داری جهانی، با الگوهای حکومتی و سیاسی و اقتصادی نظم نوینی اش، با جنبش کمونیستی و کارگری به نمایندگی از جهان متمدن تبدیل شده است (رجوع کنید به مقاله "دوره پسا جنگ سرد و پولاریزاسیون طبقاتی در ایران" مندرج در ضمیمه انترناسیونال شماره ۸۱).

جمهوری اسلامی جرثومه و مظهر ارتجاع و عقب ماندگی سرمایه داری عصر ما است و در مقابل، حزب کمونیست کارگری بشریت متمدن را با پرچم یک دنیای بهتر و آزادی و برابری و سوسیالیسم نمایندگی میکند. ایران تنها صحنه مقابله میان دو قطب تروریستی نیست بلکه عرصه رودررویی آزادیخواهی و برابری طلبی و تمدن و سکولاریسم با ارتجاع و عقب ماندگی و توحش سرمایه داری عصر ماست. باید این حقیقت را به مردم دنیا نشان داد و اعلام کرد هر کسی مخالف قلدرمنشیهای میلیتاریستی آمریکاست، هر که خواهان متوقف کردن اسلام سیاسی و عملیات تروریستی اسلامیهستها در سراسر دنیاست، هر که خواهان آزادی زن، سکولاریسم و مدنیت و مدرنیسم است باید در این کشاکش ارتجاعی میان تروریسم دولتی آمریکا که نماینده توحش نظم نوین سرمایه و تروریسم اسلامی که خود زاده و محصول آن است در مقابل هر دو قطب بایستند و از مبارزه مردم ایران فعالانه حمایت کنند. این مبارزه بویژه امروز به امر مردم سراسر دنیا تبدیل شده است.

حزب ما با این فراخوان در واقع در برابر تروریسم دولتی غرب و ادعاهای ضد تروریسم اسلامی اش راه حل جهان متمدن را قرار میدهد، و باین ترتیب تنها به عنوان مخالف حمله نظامی ظاهر نمیشود بلکه اثباتا اعلام میکند چه باید کرد. تنها مخالف با جنگ تروریستها کافی نیست، این بقول منصور حکمت موضعی پاسیفیستی است که حد اکثر خواهان بازگشت دنیا به وضعیت قبل از جنگ است. در شرایط حاضر محکوم کردن و برسمیت نشناختن و طرد و منزوی کردن جمهوری اسلامی و کمک به مردم ایران برای سرنگونی آن در این دوره یک وجه تمایز مهم بین موضع

پاسیفیستی و موضع فعال کمونیستی در برخورد به دو قطب تروریستی است. این یک وجه تمایز مهم بین نیروهائی است که میخواهند فقط جلوی جنگ را بگیرند و به وضعیت موجود دنیا رضایت داده اند و نیروهائی که میخواهند از دل این شرایط دنیای انسانی تر و بهتر و عادلانه تری ساخته شود. ما میتوانیم و باید با در پیش گرفتن یک سیاست اکتیو و تعرضی در سطح دنیا از دل این شرایط با سرنگونی جمهوری اسلامی و یا لاقبل با یک جنبش قوی و تعرضی سرنگونی طلبانه در ایران و شناخته شده و مورد حمایت افکار عمومی و سازمانهای مترقی در سطح جهانی بیرون بیاوریم.

از ویژگیهای دیگر دور جدید مقابله تروریسم دولتی غرب و تروریسم اسلامی، نفوذ جنبش اسلام سیاسی در جوامع غربی و نقشی است که در جنبش ضد جنگ ایفا خواهند کرد. همانطور که بالاتر توضیح دادم هم اسلامیهستها و هم نیروهای ضد آمریکائی که مخالفت چندانی با اسلام سیاسی ندارند، و حتی آنرا بخاطر ضدیت اش با آمریکا مترقی میدانند و یا در هر حال معتقدند در شرایط حاد شدن مقابله بین آمریکا و اسلام سیاسی نباید اسلام سیاسی را مورد انتقاد قرار داد، در جنبش ضد جنگ فعال خواهند شد. از سوی دیگر هر نوع اعتراض و آکسیون و تظاهرات با رگه های اسلامیهستی علیه جنگ وسیعا مورد استفاده جمهوری اسلامی قرار خواهد گرفت. ما نباید اجازه بدهیم که مقابله مردم جهان با جنگ و سیاستهای میلیتاریستی آمریکا به قیمت تقویت اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی تمام شود. در مقابل اسلامیهستها و نیروهای ضد آمریکائی- پرو اسلامیهستی ما روی جنبش کارگری جهانی، نیروهای سکولار، نیروهای آزادیخواه و شخصیتها و سازمانهای مدافع حقوق زن حساب میکنیم. حزب ما میتواند و کامالا این امکان را دارد که این نیروها را بسیج کند و از یک موضع انسانی ضد اسلامیهستی ضد میلیتاریستی بمیدان بیاورد.

تا آنجا که به ایران مربوط میشود، شرایط فعالیت در ایران با وضعیت دیگر کشورها متفاوت

است. از یکسو شرایط اختناق در ایران اجازه مقابله صریح و علنی مردم با اسلام سیاسی را نمیدهد و از سوی دیگر جمهوری اسلامی تظاهرات دست ساز خود را علیه آمریکا به راه خواهد انداخت و هر درجه اعتراض مردم علیه جنگ را بحساب حمایت از خود خواهد گذاشت. تنها راه موثر و عملی در مقابل این وضعیت ادامه و گسترش مبارزات و اعتراضات مردم، کارگران و زنان و دانشجویان و بخشهای مختلف جامعه برای تحقق مطالبات رفاهی و سیاسی و آزادیخواهانه شان است. جمهوری اسلامی تلاش خواهد کرد تا تحت لوای تهدید حمله نظامی و مقابله با شیطان بزرگ از این شرایط برای مرعوب کردن مردم و به عقب راندن و خاموش کردن اعتراضات آنان استفاده کند. یک وظیفه مهم حزب در این دوره اینست که در برابر این تلاشهای جمهوری اسلامی بایستد و آنرا خنثی کند. مردم ایران نباید سر سوزنی در طرح مطالبات خود و اعتراض و مبارزه برای تحقق آنها تخفیف بدهند. بویژه در این شرایط که وضعیت سیاسی ایران در مرکز توجه جهانیان قرار گرفته مردم باید فریاد اعتراض خود را بلندتر کنند و جهانیان را به حمایت از مبارزات خود فرا بخوانند. مورد مبارزه کارگران شرکت واحد و حمایت جهانی کارگران جهان از این مبارزه نمونه موفق بود که باید الگو قرار بگیرد. بخصوص عطف توجه جهانی به وضعیت ایران اجازه میدهد که حمایتها وسیعتر و فعالتری را از مبارزات کارگران و بخشهای مختلف جامعه در خارج کشور سازمان داد. این امر نیز یکی دیگر از وظایف مهم حزب ما در این دوره خواهد بود.

بالاخره باید به ایرانیان مقیم خارج کشور اشاره کنم. این نیروی مهم و موثری است که میتواند و چه در چه تظاهرات و اعتراضات عمومی علیه جنگ در کشورهای مختلف بسیج شود و به خیابان بیاورد. حزب ما بویژه باید نسبت به گرایشات ناسیونالیستی ضد غربی و یا گرایش پرو آمریکائی در میان ایرانیان مقیم خارج حساس باشد. در این مورد نیز سیاست دفاع از مبارزات مردم ایران راه موثری برای مقابله با این گرایشات و بسیج نیروی ایرانیان در مقابل هر دو سوی

این جنگ تروریستی است. تشکیلات خارج کشور حزب باید شعارها و سیاست و مواضع حزب در رابطه با جنگ، سیاستهای میلیتاریستی آمریکا، مساله پروژه اتمی، تحریم اقتصادی و دیگر مسائلی که حول مساله بحران اتمی ایران مطرح خواهد شد به میان ایرانیان مقیم خارج برود و امر بسیج و سازماندهی این نیرو در کشورهای مختلف را در صدر وظایف خود در این دوره قرار بدهد.

محسن ابراهیمی: با توجه به همه این بحثها رئوس فعالیتهای حزب علیه حمله نظامی و تروریسم اسلامی در این دوره چیست؟

حمید تقوایی: رئوس فعالیتهای حزب در این دوره را میتوان اینطور خلاصه کرد:

۱- تبلیغ و اشاعه وسیع تحلیلیها و نقد عمیق ما از یکسو به میلیتاریسم و تروریسم دولتی غرب و از سوی دیگر به تروریسم اسلامی و اسلام سیاسی. نشان دادن جایگاه و عملکرد این دو قطب تروریسم در نظم نوین سرمایه و تقابل آنها با انسانیت و جهان متمدن. بویژه نشان دادن رابطه این دو قطب با یکدیگر و خدمات متقابل آنان به یکدیگر. تاکید بر اینکه مقابله این دو از مردم قربانی میگردد اما از لحاظ سیاسی هر یک به طرف مقابل زمینه و علت وجودی میدهد. فراخواندن مردم دنیا و بسیج و سازماندهی مردم و اکتیویستها و سازمانها و شخصیتهای ضد جنگ حول این سیاست.

۲- دخالت فعال و تاثیر گذاری بر جنبش ضد جنگ که در خارج کشور بخصوص کشورهای غربی شکل خواهد گرفت و در غیاب حزب ما خط ضد آمریکائی- پرو اسلامیهستی در آن دست بالا خواهد داشت. مشخصا مقابله فعال با نفوذ اسلامیهستها و نظرات ضد آمریکائی- پرو اسلامیهستی در این جنبش.

۳- فراخواندن مردم ایران به طرح مطالبات و ادامه اعتراضات و مبارزات خود در عرصه های مختلف و درخواست حمایت از مردم آزادیخواه جهان (برجسته کردن نمونه مبارزه کارگران واحد). تبلیغ مستمر این امر که بهیچوجه نباید به جمهوری اسلامی اجازه داد که به پنهان خطر حمله و جنگ و مقابله با آمریکا مردم را به حمایت از خود و

یا سکوت و انفعال بکشاند. برحذر داشتن مردم از شرکت در تظاهراتهایی که رژیم علیه جنگ و آمریکا سازمان خواهد داد.

۴- فراخواندن مردم دنیا به حمایت از مبارزات مردم ایران علیه جمهوری اسلامی و محکوم و طرد کردن جمهوری اسلامی از جامعه جهانی. ظاهر شدن بعنوان نماینده جهان متمدن و نماینده جامعه و انقلاب ایران در رسانه ها، پانلها و میتینگها و آکسیونهای دیگر ضد جنگ و تبلیغ مواضع ما در برابر دو قطب تروریستی و طرح خواست و فراخوان به محکوم کردن و طرد جمهوری اسلامی از جامعه جهانی. اعلام و طرح وسیع این که جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست و نباید به این عنوان بوسيله هیچ دولت و سازمان جهانی ای برسمیت شناخته شود. فراخواندن مردم جهان به این امر که دولتهای خود را برای قطع روابط دیپلماتیک و بستن سفارتخانه های رژیم جمهوری اسلامی تحت فشار قرار دهند.

مقایسه جمهوری اسلامی با رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی و طرح انتظار مشابهی از جامعه جهانی برای طرد و منزوی کردن آن. طرح و تبلیغ سرنگونی جمهوری اسلامی بعنوان پاسخ واقعی و انقلابی به مساله اتمی و تروریسم اسلامی. نشان دادن اینکه یک راه موثر مقابله با خطر جنگ، با تروریسم اسلامی و خطر اتمی شدن جمهوری مبارزه شان علیه جمهوری اسلامی است.

۵- ما فعالیت هر نیروی که علیه اسلام سیاسی و جنگ هر دو است (که خیلی نادر هستند) و یا علیه یکی از این دو قطب تروریستی است بی آنکه به موضع طرف مقابل امتیازی بدهد را مثبت و به نفع مردم دنیا میدانیم. و حاضر به عمل مشترک و همکاری با این نیروها هستیم. باید تلاش کنیم تا ائتلاف و کمپین و آکسیون مشترک با این نیروها تشکیل بدهیم و آنها را به مقابله فعال علیه هر دو قطب سوق بدهیم.

۶- فعال کردن سازمانها و نیروهائی و شخصیتهایی که در عرصه های مختلف مقابله ما با اسلام سیاسی تا کنون متحد و کنار ما بوده اند (در کمپین علیه دادگاههای اسلامی، کمپین علیه

از صفحه ۱

کنفرانسی مهم ...

سکوت دولتهای اروپایی و غربی در مقابل این لگد کوب شدن حقوق زنان و در نقد نسبیّت فرهنگی و تئورانس با فرهنگ و سنتهای عقب مانده سخنرانی کردند.

محل سالن کنفرانس از چند ساعت قبل از شروع کنفرانس، با حضور خبرنگاران، و با انجام مصاحبه های مطبوعاتی متعدد با سازماندهندگان و سخنرانان کنفرانس، بیانگر اهمیت کنفرانس و در عین حال استقبال مطبوعات از آن بود.

خبر کنفرانس بزرگ "خاتون را هرگز فراموش نکنید" در تعدادی از سایتهای سازمانهای مدافع حقوق انسانی و حقوق زنان در آلمان و در سطح بین المللی پخش شده بود و روزشماری از سوی فعالین و سازمان دهندگان کنفرانس، برای شروع این اتفاق تاریخی آغاز شده بود.

ودپروز هشت مارس، همگان شاهد برگزاری کنفرانسی بودند که در نوع خود بی نظیر بود. زنانی که با صدای بلند و با اعتماد بنفس، از دستاورد مبارزات درخشان خود علیه قوانین و سنتهای اسلامی و علیه اسلام سیاسی صحبت کرده و اعلام میکردند که کافی است! آوانس دادن به این جنبش سیاه و ضد زن کافی است و مرعوب شدن در مقابل جنایات و ترورهای این باندهای سیاه بس است. باید به يك جنبش وسیع بین المللی بر علیه این جنبش دامن زد. زنانی که هر يك مسئولیت سازمانهای متعدد مدافع حقوق انسانی و یا کمپین های موفق را داشته و در جهان چهره های سرشناسی هستند، از دفاع از سکولاریسم و دستاوردهای بشری حرف زده و فرمان اعتراض و مبارزه فعالتر در دفاع از حقوق انسانی زنان را میدادند.

کنفرانس مطبوعاتی اولین بخش برنامه هشت مارس در شهر کلن آلمان

ساعت سه بعد از ظهر کنفرانس مطبوعاتی آغاز شد. میز محل ثبت نام مطبوعات بسیار سرش شلوغ بود و سه صفحه اسامی مطبوعات و رادیو و تلویزیونهای نوشته شده بود که در محل حضور داشتند.

۲۲ شبکه مختلف خبری آلمانی و غیر آلمانی در این کنفرانس شرکت داشتند. از جمله تلویزیون شبکه يك دو و آلمان، "و د ار"، "ذ د اف"، يك شبکه تلویزیون از یونان، خبرنگاران بخش فارسی، ترکی، آلمانی و

انگلیسی دوویچه وله، اشپینگل آنلین، اوانگلیشه پرسه آگنتور، خبرنگار شبکه فمینیستی زنان، خبرنگاران روزنامه های چاپ آلمان، در چند ردیف نشسته و به معرفی کوتاه سخنرانان از کار و فعالیتهايشان گوش میدادند.

در این قسمت، در يك برنامه یکساعت و نیمه، به سوالات خبرنگاران پاسخ داده شد. محور بحثها در این بخش برنامه به اسلام سیاسی، موضوع کاریکاتورها، چگونگی دفاع از سکولاریسم و یا چگونگی دفاع از قربانیان قتلهای ناموسی و تهدیدشدگان به قتل ناموسی اختصاص یافت.

آغاز رسمی کنفرانس

کنفرانس با خوشامد گویی نازنین برومند سازمانده کنفرانس، به حاضرین آغاز شد. او در معرفی کمپین "هاتون را هرگز فراموش نکنید" صحبت کرد و این کنفرانس را شروع يك کمپین بزرگ بر علیه قتلهای ناموسی در آلمان از سوی جمع فراخوان دهنده کنفرانس اعلام کرد. سپس ترتیب برنامه و سخنرانها را به اطلاع جمع رساند.

سپس مینا احدی به عنوان سخنگوی کمپین سخنرانی افتتاحیه خود را ارائه داد. مینا احدی در این سخنرانی اعلام کرد که شرط مبارزه موثر علیه قتلهای ناموسی، بررسی این پدیده و ارزیابی درست از علل سیاسی و فرهنگی و اجتماعی این قتلها است. قتل ناموسی پدیده ای مربوط به چهار دیواری خانه ها نیست، قتل ناموسی بطور مستقیم به يك جنبش سیاه اسلامی و به مذهب و سنتهای عقب مانده ربط دارد که باید به آنها تاخت و بر علیه آنها مبارزه کرد.

سپس فیلم "تسلیم" برای حاضرین نمایش داده شد. فیلمی که کارگردان آن به دست باندهای ترور اسلامی، کشته شد.

آیان هیرسی علی، سخنران بعدی کنفرانس بود. آیان هیرسی علی در سخنرانی خود، به نقد اسلام و به نقد زن ستیزی آن پرداخت و با مثال آوردن از موقعیت زنان در کشورهای اسلام زده، اعلام کرد که له کردن حقوق انسانی زنان، باعث مقاومت و اعتراض زنان شده و هشت مارس روزی است که باید به جهانیان اعلام کرد که بر علیه این قوانین و سنتها جنبش بزرگی در جریان است.

سخنران بعدی این کنفرانس فاطمه بلسه ر بود. او در يك سخنرانی تکان دهنده اعلام کرد که خود مجبور به ازدواج اجباری شده و چون از این رابطه فرار کرده و به این اوضاع تمکین نکرده از سوی خانواده خود و از سوی پدر و برادرانش به قتل ناموسی تهدید شده است. او گفت که چه درد و غم عمیقی در دل انسان نهفته است وقتی به چشم پدرش نگاه میکند و یا به صورت برادرانی که آنها را دوست داشته و جزئی از خانواده آنهاست، که بدنبال چاقویی هستند برای به قتل رساندن زنانی که تمکین نمیکند و در پایان شعر يك دختر جوان تهدید به مرگ شده در آلمان را خواند که گفته بود: بی تفاوت به این اوضاع نباشید و ما را ببینید و درک کنید، ما را کمک کنید!

بعد از او مریم نمازی، سخنرانی کوتاه و بسیار موثری ایراد کرد، در مورد اینکه هاتون تنها قربانی جنبش سیاه اسلامی نبوده و نیست. او از مریم ایوبی که به دست رژیم اسلامی سنگسار شد، و از عاطفه رجبی ۱۶ ساله که اعدام شد، حرف زد و فراخوان اعتراض به اسلام سیاسی را داد. مریم نمازی، از این که مبارزه برای سکولاریسم تنها يك قدم کوچک در دفاع از حقوق انسانی است گفت: در مقابل اسلام سیاسی نباید سکوت کرد و امتیاز دادن و سکوت کردن در مقابل این جریان باند سیاهی کافی است.

سخنران بعدی کریستا اشتوله، مسئول سازمان "تره ده فام" بود. او در يك سخنرانی آماری و حاوی اطلاعات بسیار در مورد قتلهای ناموسی در آلمان، اعلام کرد که فقط در آلمان در یکسال گذشته، ۹ مورد قتل ناموسی به ثبت رسیده که هفت مورد آن در برلین بوده است. او گفت آمار دقیق در دست نیست و باید این آمارها را با شك و تردید نگاه کرد. سپس به وضع قوانین و نحوه مجازات قاتلین اشاره کرد و اینکه تا کنون به دلیل اینکه قاتلین از فرهنگ دیگری هستند، بدلیل احترام گذاشتن به فرهنگهای دیگر، از مجازات ملایمتری برخوردار شده اند. کریستا اشتوله به نقد نسبیّت فرهنگی و تئورانس با سنتها و فرهنگ ضد زن و عقب مانده پرداخت.

در ادامه، آذر ماجدی سخنرانی کرد. او در يك سخنرانی پرشور، به نقد جریانات اسلامی و اسلام سیاسی پرداخت و گفت، در مقابل زن ستیزی

جریانات اسلامی در ایران و در منطقه يك جنبش بزرگ اعتراضی وجود دارد. برای مقابله با اسلام سیاسی باید به يك جنبش جهانی دست زد و از این جنبش فعال زنان حمایت کرد.

رزا لوگار از اطریش سخنران بعدی این کنفرانس مهم بود. او گفت که مسئولیت مرکزی را دارد که مرکز جمع آوری اطلاعات در مورد خشونت بر علیه زنان در اروپا است. او از يك قتل ناموسی در اطریش حرف زد که درست در روزی اتفاق افتاده بود که وزیر امور خارجه سوئد ترور شده بود. رزا با مقایسه این دو قتل گفت، هر دو این جنایات تکان دهنده بودند. اما رسانه ها در مورد قتل وزیر امور خارجه سوئد، بسیار و بسیار گزارش دادند و هیچکس نام فاطمه را که به قتل رسید، نشنید.

سازمان تحت سرپرستی رزا، اطلاع دقیق داشت که فاطمه بارها به پلیس شکایت کرده و از تهدید به قتل توسط همسرش صحبت و شکایت کرده بود. اما عکس العمل پلیس هیچ بود. و رزا اعلام کرد که سازمان آنها در مورد این موضوع، از دولت اطریش به سازمان ملل شکایت کرده است.

سخنران بعدی هانه لوره ویلماز از سوی سازمان عفو بین الملل بود. او در این سخنرانی از فعالیتهای گسترده عفو بین الملل، علیه قتلهای ناموسی و علیه نقض حقوق انسانی زنان حرف زد و گزارش مفصّلی در مورد قتلهای ناموسی زنان در پاکستان به جمع ارائه داد. هانه لوره ویلماز در پایان از اهمیت مبارزه گسترده جهانی علیه قتلهای ناموسی حرف زد.

آخرین سخنران هما ارجمند چهره سرشناس مبارزه با قوانین شریعه در کانادا بود. او در سخنرانی خود، به کمک های مالی باور نکردهی دولتها و مقامات از جمله تونی بلر و یا مقامات دولت کانادا و دولتهای اروپایی به جریانات اسلامی حرف زده و اعلام کرد که جنبش اسلام سیاسی از این طریق گسترش یافته و تقویت میشود. در پایان هما ارجمند از فعالیتهای موفق کمپین علیه قوانین شریعه در کانادا و گسترش کمپین های جهانی علیه اسلام سیاسی حرف زد.

بخش آخر کنفرانس به بحث و

پرسش و پاسخ اختصاص داشت. برای این کنفرانس سه قطعنامه تهیه شده بود که به دلیل کمبود وقت یکی از آنها به کنفرانس ارائه شد.

در بخش پایانی کنفرانس آذر ماجدی با دادن يك شاخه گل به نازنین برومند، از برگزار کنندگان کنفرانس قدردانی کرد و قطعنامه مصوب کنفرانس استکهلم بر علیه قتلهای ناموسی را معرفی نمود که مورد استقبال حاضرین قرار گرفت. سپس در قسمت مباحثات در مورد امکان حمله نظامی به ایران از سوی امریکا، قطعنامه در محکومیت تهدیدات نظامی امریکا و محکومیت حکومت اسلامی و ضرورت اعمال فشار سیاسی و بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی در اعتراض به آپارتاید جنسی در ایران، از سوی مینا احدی معرفی شد و پیشنهاد تشکیل کنفرانسی در این مورد داده شد.

کنفرانس با سخنرانی کوتاه اختتامیه از سوی مینا احدی پایان یافت. وی در این قسمت از موفق بودن کنفرانس حرف زد و از همه حاضرین و سخنرانان و دست اندکاران کنفرانس تشکر کرد.

کنفرانس علیه قتلهای ناموسی در آلمان، بدلیل انعکاس مطبوعاتی سرشناس مدافع حقوق انسانی و حقوق زنان در آن، استقبال بالایی مردم از آن، بخصوص آلمانی زبانها و بدلیل اعلام يك مبارزه جهانی گسترده علیه جریانات اسلامی در نوع خود کنفرانسی بی نظیر و بسیار موفق بود.

این کنفرانس به همت دو ماه کار فشرده يك جمع بزرگ از اعضا و فعالین حزب کمونیست کارگری و کمیته آلمان این حزب میسر شد. سازماندهی کنفرانس، پیشبرد منظم همه کارها، موجب تشویق و قدردانی از سوی جمع سخنرانان و یا مردم حاضر در جلسه شده بود.

ما برگزاری این کنفرانس را يك موفقیت بزرگ در شروع کار کمپین علیه قتلهای ناموسی در آلمان میدانیم و بدین وسیله از همه کسانی که در برگزاری این کنفرانس مهم نقش بازی کردند، عمیقاً قدردانی میکنیم.

کمپین "هاتون را فراموش نکنید"

Tel: 0044-779-1130-707

Fax: 0044-870-135-1338

Email: markazi@ukonline.co.uk

دفتر مرکزی حزب

بسوی سوسیالیسم نشریه تئوریک سیاسی حزب کمونیست کارگری منتشر شد

بسوی سوسیالیسم از طریق سایت نشریه در آدرس زیر قابل دسترس است
<http://www.wpiran.org/bs-index.htm>

انترناسیونال جهان منتشر شد

بسوی سوسیالیسم

نشریه تئوریک سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

تیریه دوم، شماره اول - اسفند ۱۳۸۴، مارس ۲۰۰۶
www.wpiran.org/bs-index.htm

آیا بیروزی کمونیسم در ایران ممکن است؟
مصدر حرکت

طبیب، باسویالیسم و از خود ایستادن انسان
سید قرایی

حزب و انقلاب
سید کرایی

آیا انقلاب ایران بک انقلاب واقعی است؟
آر. مانی

نقد بیانیهای فکر بیست و یکمین
غلامرضا



گوشه ای از مراسم ۸ مارس در سنج

دالاس

کمکهای مالی رسیده به حزب

عباس و فهیمه ۲۰۰ دلار آمریکا
ستار و یاسمن ۲۰۰ دلار
خدر ۱۰۰ دلار
شری و سهراب ۲۰۰ دلار
کمک مالی از طریق واحد دالاس ۳۰۰ دلار

کمک مالی برای چاپ انترناسیونال در واحد شرق کانادا

نینا تابان ۱۰۰ دلار کانادا
رضا پایدار ۱۰۰ دلار

اجتماع زنان در پارک دانشجو با هجوم وحشیانه نیروهای سرکوب مواجه شد بیش از ۲۰۰۰ نفر در پارک دانشجو به مناسبت ۸ مارس حضور یافتند

اطلاعی شماره ۲

نقاط تهران از جمله خیابان انقلاب شعارهای زنده باد آزادی زن، زنده باد هشت مارس، نه به حجاب نه به آپارتاید بر دیوارها دیده میشد. حزب کمونیست کارگری ضمن گرامیداشت هشت مارس روز جهانی زن، پرخندهای سرکوبگرانه جمهوری اسلامی را بشدت محکوم میکند و خواهان آزادی فوری کلیه کسانی است که توسط عوامل سرکوب جمهوری اسلامی در تجمعات مختلف هشت مارس دستگیر شده اند.

لازم به توضیح است که تجمعات متعدد بزرگ و کوچک دیگری نیز به مناسبت هشت مارس در نقاط مختلف کشور برگزار شده است که متعاقبا به اطلاع خواهیم رساند.

**زنده باد هشت مارس
مرگ بر رژیم آپارتاید جنسی
حزب کمونیست کارگری ایران**

۸ مارس ۲۰۰۶، ۱۷ اسفند ۱۳۸۴

اپوزیسیون راست تقویت خواهد شد.
۹- شعارهای عمده حزب در

این دوره:

- نه به میلیتاریسم دولتی غرب، نه به اسلام سیاسی
- نه به تروریسم دولتی آمریکا، نه به تروریسم اسلامی جمهوری اسلامی
- نه به جنگ، نه به تحریم اقتصادی، نه به جمهوری اسلامی
- علیه جنگ، علیه تروریسم اسلامی از مبارزات مردم ایران حمایت کنید
- خواست مردم ایران توقف فوری تهدیدات نظامی و اخراج جمهوری اسلامی از جامعه جهانی است. *

میخواندند دورتادور پارک حرکت کردند که مجددا مورد حمله نیروهای سرکوب قرار گرفتند و نهایتا متفرق شدند. اما پارک دانشجو مملو از جمعیتی بود که مرتب نیروهای انتظامی را هو میگردند و شعار میدادند. نیروهای انتظامی به هر طرف حمله میگردند از طرف دیگر صدای شعار بلند میشد. شعارها عبارت بود از: زنده باد آزادی زن، زنده باد ۸ مارس، مرگ بر آخوند، مرگ بر ارتجاع، زنده باد آزادی. تجمع و شعار دادن تا ساعت حدود پنج و ربع ادامه یافت و سپس جمعیت به تدریج متفرق شد.

در جریان هجوم نیروهای سرکوب تعدادی دستگیر شدند اما گفته میشود که پس از مدتی آزاد شدند. امروز همچنین در پارک دانشجو و پارک لاله تراکت های حزب کمونیست کارگری به مناسبت هشت مارس وسیعا توزیع شد و در برخی

طبق گزارشی که به حزب رسیده است، امروز به مناسبت هشت مارس در پارک دانشجوی تهران بیش از ۲۰۰۰ نفر حضور یافتند، شعار دادند و ماموران سرکوب را هو کردند.

از ساعت سه و نیم عصر در نقاط مختلف پارک حدود ۲ تا ۳ هزار در دسته های ۱۵ تا ۲۰ نفر پخش بودند. حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر از زنان در حالیکه پلاکاردهائی با شعارهای مختلف در دست داشتند دست به تجمع زدند و بیانیه ای به مناسبت هشت مارس قرائت کردند. اما نیروهای انتظامی و عوامل وزارت اطلاعات و لباس شخصی که حدود ۵۰۰ نفر میشدند به این تجمع حمله کردند و با باتوم به جان زنان افتادند. زنان تجمع کننده تسلیم این وحشیگری نشدند و دست به راهپیمائی زدند و در حالیکه سرود

گفتگو با حمید تقوائی

از صفحه ۶

عدم و سنگسار، در دفاع از سکولاریسم، علیه قتلهای ناموسی و... انجام آکسیونها و یا کمپین مشترک با این نیروها و شخصیتها علیه جنگ و علیه اسلام سیاسی.

۷- بسیج نیروی مهاجرین ایرانی در کشورهای مختلف. سازمان دادن آکسیونهای اعتراضی ایرانیان مقیم خارج علیه جنگ و فراخواندن آنان به شرکت در آکسیونهای عمومی ضد جنگ حول سیاستها و شعارهای حزب.
۸- تبلیغات حزب در این دوره

مشخصا باید سه گرایش رایج را زیر ضرب قرار بدهد:
الف- گرایش اسلامی و آنتی آمریکائی- پرو اسلامیمستی در جنبش ضد جنگ و در افکار عمومی غرب
ب- گرایش ناسیونالیستی و پرو جمهوری اسلامی که بخش از نیروهای اپوزیسیون راست مبلغ آن خواهند شد در میان ایرانیان.
ج- گرایش پرو آمریکائی و طرفدار سرنگونی جمهوری اسلامی به کمک حمله نظامی غرب که این گرایش نیز اساسا در میان

ستون اول

از صفحه ۲

بزرگ تجمع زنان در پارک دانشجو میخوانیم: جهان دیگری ممکن است: صلح، آزادی، برابری.

مجله نیویورکر در قبال این نیمه حقایق سیاسی ایران سکوت کرده است. و این سکوت بخشی از تلاش برای محو این نیمه است. بخشی از تلاش برای مدفون کردن این نیمه است. بخشی از تلاش برای به شکست کشاندن انقلاب مردم ایران است. بخشی از تلاش برای جایگزین

بارها در تظاهرات گسترده شان علیه حکومت اسلامی نشان داده اند. در ۱۸ تیرها، ۱۶ آذرها و ۸ مارسها و فستیوال آدم برقیها و صدها اعتراض و اعتصاب که هر روز در جریان است. شعارها و پلاکاردها و بیانیه های ۸ مارس امسال در تهران و سنج و اصفهان و... گواه قدرتمند همین تمایلات پایه ای و انقلابی و انسانی مردم است. در همین ۸ مارس امسال، بر پرچم

کردن ضد انقلاب اسلامی با ضد انقلاب دیگر است. و این وظایف دو جانبه ای را بر دوش ما مردم ایران، ما کارگران، ما زنان و جوانان، ما حزب کمونیست کارگری میگذارند: برای به پیروزی رساندن انقلاب علیه جمهوری اسلامی ما باید در دو جبهه نبرد کنیم و در دو جبهه پیروز شویم. جبهه ضد انقلاب اسلامی حاکم از یکطرف و جبهه ای که تقلا میکند انقلاب مردم ایران را شکست دهد و ضدانقلاب دیگری به جای جمهوری اسلامی بنشانند. *